روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۳
۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۳ دسامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۹۱
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

نشست مشترک مجلس و قوه قضائیه به مناسبت روز مجلس برگزار شد

به دنبال راهگشایی برای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: خوانشی زنانه‌نگر از رمان «تذکرهٔ بادها» نوشته رضا عبدی/ قانون مادرانه جهان • آخرین میخ بر تابوت نظم جهانی به رهبری آمریکا

نگاهی به یادداشت مهم معاون راهبردی رئیس‌جمهوری در نشریه آمریکایی «فارن‌افرز»

چراغ سبز ظریف

گزارش تیتر یک را در صفحه ۳ بخوانید

«شرق» از دیدار عراقچی با وزیر خارجه ترکیه و تأکید او بر حفظ تمامیت ارضی سوریه گزارش می‌دهد

کنترل تنش در آنکارا

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه

یادداشت

آفت ناکارآمدسازی تصمیم‌های اساسی

مهدی فیروزان

بسیاری از تصمیمات درست مسئولان به سبب عبورنکردن از مسیر همدلی یا درک درست کارگزاران یا ضعف علمی و فقدان تجربه و ناکارآمدی و گاه سودجویی برخی از اعضای تیم همکاران و مدیران میانی، در عمل نتیجه‌ای نامطلوب می‌دهد. واگرایی جامعه و عدم اعتماد عمومی مزید بر علت شده و یاران موافق کارآمد پس زده و کمیاب می‌شوند. پیامد آن نه‌تنها خسارت‌بارشدن و هزینه به‌بارآوردن است، بلکه برای همیشه راه‌پیمودن به سوی آن تصمیمات درست و آن اهداف اساسی بسته می‌شود.

مقابله خاموش و تقابل عملی مؤثر با تصمیم درست یک مصلح یا رئیس‌جمهور کارآمد چنین شیوه‌ای است. شیوه‌ای از تقابل و به شکست کشاندن سیاست‌های استراتژیک که گاه در لباس میش و دلسوزی، گاه با پرچم دفاع از استقلال و دین و گاه با شعار دلسوزی و انواع و اقسام پوشش‌های نوآورانه و فریبنده، همواره حق‌به‌جانب و از سر خیرخواهی، اگر موفق شوند با تحریک احساسات مردم، متدین و لائیک، اصلاح‌طلب و اصولگرا، ملی‌گرا و گلوبالیست جلوه می‌کند.

چنین شیوه‌هایی را بارها دیده‌ایم و عواقب زیان‌بار و گاه جبران‌ناپذیر آن را تجربه کرده‌ایم. شیوه‌های تقابل خاموش یا آشکار، گاه منشأ داخلی و گاه آبشخور خارجی و جوسازی رسانه‌ای داشته و به مدد جوسازی‌هایی ناشی از عدم سیطره جریان آزاد اطلاعات، موفق هم شده است.

ده‌ها نمونه و مصداق را می‌توان بر شمرد که دودش به چشم ملت مظلوم و نجیب ایران عزیز رفته است. شاهد این مدعا، وضعیت امروز جامعه و بحران‌های گوناگون است.

بگذریم؛ همین مقدمه درباره شعار اصلی پزشکیان یعنی «وفاق ملی» مصداق دارد.

وفاق ملی تنها چشم‌انداز دولت چهاردهم نیست، بلکه نیاز فوری و فوری و فوری امروز ماست. تصمیمی درست، حیاتی و نجات‌بخش که هم‌گرایی ملی را در چندقطبی موجود تسهیل می‌کند. اما به شرط آنکه در عمل، کارگزارانی همدل و هم‌قسم، کارآمد و صادق را از همه دیدگاه‌ها به کار گیرد و در عمل قربانی حسادت و رقابت سیاسی و ترس ازدست‌دادن قدرت این و آن نشود و با شعارها و پرچم‌های رنگارنگ به مقابله با آن برنخیزند. پزشکیان، پرچم‌دار وفاق ملی، در خلأ تصمیم نگرفته و وضعیت جامعه را خوب شناخته است و برای رسیدن به وفاق ملی، راهکارهای گوناگونی پیش‌بینی و ساخته است.

۱. استفاده کامل از کارشناسان و ایجاد مجال‌هایی که کارشناسان ثمره حضور و مشارکت‌شان را در فرایند تصمیم‌سازی‌های گوناگون کشور ببینند؛ نه آنکه مدیران ارشد رأسا تصمیم بگیرند. این همه ناترازی در محیط زیست، آب، برق و انرژی حاصل بی‌توجهی به امر کارشناسی است. یادمان باشد که سازمان مستقل و قدرتمند برنامه و بودجه تعطیل شد و به فرمان‌بری در انحصار رئیس‌جمهور وقت تبدیل شد و موارد بسیار دیگر.

تا جایی که از نزدیک مشاهده کرده‌ام، پزشکیان برای همه پیشنهادها و تقاضاها خود تصمیم نمی‌گیرد و به مسئولان آن ارجاع می‌دهد و از آنها می‌خواهد تا نظر کارشناسان خود را اخذ و ارسال کنند. فرایندی که در انتخاب وزرای کابینه‌اش نیز به کار گرفت.

۲. استفاده از ظرفیت همه مدیران کارآمد از هر مشرب و دیدگاه؛ پزشکیان در انتخاب‌شدن به هیچ حزب و جریان سیاسی و مالی و نگرش انقلابی و غیرانقلابی بدهکار نیست؛ فقط و فقط وام‌دار مردم است؛ ایرانیان نجیب، پاک‌نیت و طالب هم‌گرایی و شایسته مهرورزی و بهروزی که آخرین تیر امید خود را در کمان گذاشته‌اند. یادم می‌آید که پزشکیان همان روزهای اول گفت: همه مدیران ارشد دولت سیزدهم خطی و جناحی و سرسپرده سیاسی و ژنرال نیستند، بلکه اکثر آنها طالب کار و خدمت بوده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

ضرورت انجام تحولات اساسی در مواجهه با بحران

زهرا کریمی
عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران

ایران با مسائل متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از محیط زیست گرفته تا کسر بودجه، ناترازی انرژی، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، سقوط ارزش پول ملی، تورم کمرشکن و... . برخی علاقه‌مندند که علت بروز اینها را ناشی از عملکرد غلط دولت‌ها در مقاطع مختلف معرفی کنند، ولی اوج‌گیری بحران‌ها در طول زمان با وجود تغییر دولت‌ها با گرایش‌های مختلف و وابستگی آنها به جناح‌های چپ و راست چنین استدلالی را باورناپذیر کرده است. باید برای یافتن ریشه‌ها به انتخاب‌ها و تصمیمات اساسی توجه کرد که در طول دهه‌های اخیر تداوم داشته و عملکرد همه دولت‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. در انقلاب اسلامی گرایشی قوی برای ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی، حمایت از «مستضعفان جهان» و مقابله با «قدرت‌های استکباری» شکل گرفت که نمود آن استقبال پرشکوه از یاسر عرفات در ایران در بهمن ۱۳۵۸ به‌عنوان اولین میهمان خارجی و پشتیبانی گسترده مردم از اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ بود. پیروزی نسبتا سریع انقلاب اسلامی در ایران احتمالا این باور را ایجاد کرده بود که تحول در نظام جهانی نیز چندان دشوار نیست و مردم در سراسر جهان از اندیشه‌های عدالت‌جویانه انقلاب حمایت خواهند کرد. در داخل کشور اندیشه حمایت از مستضعفان به جای تمرکز بر افزایش سرمایه‌گذاری، به مصادره‌های گسترده و کاهش امنیت صاحبان سرمایه و تأکید بر سیاست‌های توزیعی منجر شد که رشد ظرفیت‌های تولیدی را تضعیف کرد و انتظارات برای بهره‌مندی هرچه سریع‌تر از ثمرات اقتصادی انقلاب اسلامی را در میان اقشار کم‌درآمد دامن زد. در عرصه روابط خارجی نیز اعمال تحریم‌های اقتصادی مختلف، علیه ایران از سوی اکثر کشورهای غربی، پس از گروگان‌گرفتن کارکنان سفارت آمریکا و آغاز جنگ ایران و عراق، هزینه فزاینده مقابله با نظم جهانی را بر دوش اقتصاد ایران تحمیل کرد. بحران ناترازی ناشی از رشد ناکافی سرمایه‌گذاری و تولید در مقابل افزایش سریع تقاضا، و هزینه‌های سنگین روابط پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی با افت‌وخیزهایی پس از انقلاب اسلامی تداوم داشته و با اعمال تحریم‌های بسیار شدید از ابتدای دهه ۱۳۹۰ شتاب گرفته و در سال‌های اخیر به ابربحرانی مبدل شده که تداوم آن بسیار خطرناک است و می‌تواند به چالش‌های بزرگ مبدل شود. هرچند روی‌کارآمدن دولت پزشکیان و تشکیل کابینه‌ای متشکل از گروهی متخصص، گام مثبت و شرط لازم در راستای مواجهه با شرایط دشوار کشور است، ولی شرط کافی نیست. انتخابات ریاست‌جمهوری نشان داد که بخش بزرگی از مردم امید به تغییر شرایط سخت زندگی از طریق صندوق‌های رأی را از دست داده‌اند و گروهی نیز با تردید به پزشکیان رأی داده‌اند و معتقدند که رئیس‌جمهور در ایران قدرت چندانی ندارد. حل ابرچالش‌های کشور به کاهش تنش در داخل و در روابط بین‌المللی وابسته است. ایجاد فضای آرام و افق روشن و امیدبخش برای جلب اعتماد ایرانیان برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور، توقف فرار سرمایه از ایران و جلب سرمایه‌های فکری و مادی ایرانیان مهاجر ضروری است. ایران برای حمایت از اجرای عدالت در سطح بین‌المللی می‌تواند بدون تحمل هزینه‌های سنگین، از نهادهای موجود استفاده کند. ایران می‌تواند با رعایت مقررات بین‌المللی، از طریق نهادهایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل و... همراه با دیگر کشورها به صورت مشترک در راستای ساختن دنیایی منصفانه‌تر تلاش کند. محکومیت و صدور حکم بازداشت نخست‌وزیر و وزیر جنگ اسرائیل از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به درخواست کشور آفریقای جنوبی اقدام ارزشمندی بود که هیچ‌گاه یک کشور به‌تنهایی قادر به انجام آن نبود. چنین اقدامی مشکل بی‌عدالتی در جهان را حل نمی‌کند، ولی گامی در راستای محدودکردن جنایت‌های جنگی اسرائیل است. مردم ایران زیر بار تورم سنگین کمر خم کرده‌اند. اقتصاد ایران تاب تحمل هزینه‌های جدید را ندارد. چیزی که اوضاع را برای اکثریت مردم کشور وخیم‌تر می‌کند، نداشتن چشم‌اندازی روشن است. هیچ‌کس نمی‌داند که آیا زمانی اقتصاد کشور روی ریل توسعه و رونق قرار خواهد گرفت و با سرعت فاصله با کشورهای همسایه را از میان خواهد برد و به جایگاه مناسبی در اقتصاد جهان دست خواهد یافت؛ یا شکاف میان ما و اکثر کشورهای منطقه عمیق‌تر خواهد شد. این ناامیدنی درباره آینده مهم‌ترین عامل فرار سرمایه فکری و مادی از کشور است؛ و ایران را از نیروی مولد و ارزشمند خود تهی می‌کند. ارکان مختلف کشور در همفکری و هماهنگی، چیزی که پزشکیان آن را وفاق نامیده است، باید اعلام کنند که برای کاهش تنش در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی راهبرد جدیدی اتخاذ شده است و آثار تغییر سیاست‌ها و اتخاذ تصمیمات مناسب باید به نحو ملموسی در زندگی مردم انعکاس داشته باشد.

ادامه در صفحه ۸

سرمقاله

فرصت تنگ برای تفاهم با اروپا

کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

جمعه گذشته مذاکراتی در سطح مدیران و معاونان وزارت خارجه‌های ایران و سه کشور اروپایی در ژنو انجام شد. این اولین دور چنین مذاکراتی بود که در دولت جدید ایران و بعد از تفاهمات اولیه در نیویورک انجام شد. نفس توافق درباره انجام این مذاکرات در شرایطی که چند روزی از تصویب یک قطع‌نامه دیگر با ابتکار عمل همین سه کشور اروپایی علیه ایران نگذشته بود، مهم است. موافقت ایران با این مذاکرات درخورتوجه و درخور تمجید است. از شواهد پیدا است که این مذاکرات دستور کار خاصی نداشته و هدف آن تبادل نظر و گفت‌وگو برای تنظیم طرح و تهیه دستورکاری برای مذاکرات جدی در آینده بوده است. هنوز نشانه‌ای که حاکی از پیشرفت کار در ژنو و شکل‌گرفتن نقشه راهی باشد، مشهود نیست. با این حال، شواهد حاکی از آن است که طرف ایرانی مایل به ادامه تماس‌ها و مذاکرات جدی برای ایجاد جوی مساعد تا قبل از تغییریافتن قدرت در آمریکاست. اگر این اتفاق بیفتد، یعنی یک برنامه زمان‌بندی‌شده و یک چارچوب مفهومی در هفته‌های آینده شکل بگیرد، ممکن است بتواند بر روی تصمیمات دولت جدید آمریکا اثر بگذارد. آنچه جای امیدواری دارد، این است که قرار است مذکرات دیپلماتیک در آینده ادامه داشته باشد.

با این حال همه شواهد از دشواری کار حکایت دارد. مسائل حادی بین ایران و اروپا مطرح است که در هیچ دوره‌ای در گذشته‌های دور و نزدیک سابقه نداشته است. ادعای حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین شاید در رأس این مسائل قرار دارد. جو رسانه‌ای و مدنی و پارلمانی در اروپا نیز که بعد از ۱۴۰۱ به‌شدت علیه تهران بوده، بر دولت‌ها اثر داشته است. اگرچه مسائل منطقه نیز پیوسته در رابطه اروپا با ایران مورد توجه بوده، اما نقش این مسائل بعد از ۷ اکتبر بسیار برجسته‌تر و تأثیرگذارتر شده است. با این حال به نظر می‌رسد به‌تازگی برنامه هسته‌ای ایران به رأس اولویت‌های اروپا بازگشته است. در این زمینه ملاقات رؤسای سرویس‌های اطلاعات خارجی انگلیس و فرانسه در پاریس «با هدف هماهنگی راهبردی» که هم‌زمان با نشست ایران و سه کشور اروپایی برگزار شد و اظهارات علنی و غیرمعمول آنها بسیار درخورتوجه است. رئیس ام‌آی۶ از برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان «تهدید امنیتی عمده جهانی» سخن گفته و همتای فرانسوی‌اش مدعی شده که «اشاعه اتمی در ایران... احتمالا یکی از تهدیدهای حاد، اگر نه حادترین تهدید، در ماه‌های آینده است».

واقعیت این است که دوره پیش‌رو از دشوارترین دوره‌ها برای ایران در سال‌های اخیر است. نقطه آغاز این دوره، تحولات عظیم در خاورمیانه و ضرباتی است که به گروه‌های نزدیک به ایران وارد شده است. درگیرشدن سوریه در بحرانی دیگر در بدترین زمان ممکن نیز مشکل بزرگی است. این بحران اگر مشکل موجودیتی برای بشار اسد ایجاد نکند، حداقل برای ماه‌ها یک دردسر بزرگ مالی و نظامی و پرسنلی برای سوریه و دوستانش خواهد بود. بی‌شک، تهدیدهای زیادی در این دوره متوجه ایران است. علاوه بر سخنان غیرمعمول رؤسای دوایر اطلاعاتی فرانسه و انگلیس، نتانیاهو پنجشنبه گذشته بار دیگر تهدید کرد که اسرائیل آماده دست‌زدن به هر کاری برای جلوگیری از هسته‌ای‌شدن ایران است. ترامپ که در اول بهمن در کاخ سفید مستقر خواهد شد، پیش‌ازاین از موافقت با اقدام نظامی اسرائیل علیه مراکز هسته‌ای ایران گفته است.

چنین شرایطی ایجاب می‌کند که ایران حداکثر تلاش خود را در حوزه دیپلماسی برای کاهش تنش و زمینه‌سازی برای مذاکراتی محتوایی انجام دهد. ایران و اروپا تا قبل از ۱۴۰۱ روابط سیاسی خوبی داشتند. اگرچه اروپا نتوانست مانع تحریم‌های آمریکا شود، اما در حوزه سیاسی با خروج آمریکا از برجام مخالفت کرد و در سال ۲۰۲۰ صریحا مانع فعال‌شدن مکانیسم ماشه از طرف دولت ترامپ شد. اگر در مرحله جدید، رابطه ایران و اروپا تا حدی ترمیم نشود، این خطر وجود دارد که ایران به یکی از معدود وجوه اشتراک بین ترامپ و اروپا تبدیل شود و اروپا بکوشد با استفاده از کارت ایران در حوزه‌های دیگر از ترامپ امتیاز بگیرد. برعکس، توافق بین ایران و اروپا می‌تواند مانعی برای دولت ترامپ باشد. دشواری کار این است که ما با یک جدول زمانی بسیار فشرده مواجه هستیم و با توجه به ضرب‌الاجل برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه تا اواسط تابستان برای رسیدن به یک توافق و اجرای آن بیشتر فرصت نداریم. گام اول در راستای کاهش تنش می‌تواند خودداری از اظهارات تند از طرف مقامات ایرانی، ازجمله سخن‌گفتن از تغییر دکترین هسته‌ای و خودداری از افزایش سطح غنی‌سازی باشد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که این رویکرد تنها موجب تشدید بحران شده است.

برگزیده‌ها

گفت‌وگوی احمد غلامی با کیوان مهتدی درباره کتاب «مارکس و لینکلن: انقلاب ناتمام»

رؤیاهایت را از دست نده

۶

پاسخ وزارت نیرو در واکنش به گزارش «شرق»

۱۰

درخشش خیره‌کننده حسین‌زاده در روزهای خاموشی ستاره‌های مدعی

من امیرحسین ۲۴ سال دارم

۹

«شرق» تاب‌آوری اقتصاد همسایه شمال غربی در مقابل بلندپروازی‌های منطقه‌ای این کشور را بررسی می‌کند

سودای بزرگ ترکیه

۴

یادداشت

از موتزارت تا نظامی گنجوی

یادداشتی از احمد مسجدجامعی

۱۲

به بهانه انتشار کتاب «نابرابری با ما چه می‌کند؟»

یادداشتی از سعید مدنی

۱۰

یادداشت

با مردم در نبرد با سایه‌ها!

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

«هرچه مردم بیشتر به شما گوش دهند، منزلت بالاتری کسب می‌کنید و از نظر اقتصادی و سیاسی موفق‌تر می‌شوید».
(«نزاع هزارساله»- عجم‌اوغلو- جانسون)

نشست «وفاق» دولت و مجلس برگزار شد و آقای پزشکیان پس از آن گفت: «تلاش خواهیم کرد که مشکلات مختلف را با همدلی و همفکری از پیش‌رو برداریم» (۹/۱۱)، اما آیا دولت چنین امکان و بضاعتی دارد؟! اصولا جای دولت در بازی قدرت در کشورمان کجاست؟! مشکل جامعه ایران نیز با دولت آن است که جایی که باید باشد، نیست و آنجا که نباید باشد، هست. این هست و نیست و بود و نبود دولت در جایگاه شایسته خود، انبوهی از بحران‌ها و ابرچالش‌ها را ایجاد و جامعه ایران را اسیر نگرانی و اضطراب‌های بزرگ کرده است. اگر از شوک‌های هرروزه به اعصاب و روان هر ایرانی هنگام خرید مایحتاج روزانه بگذریم (غیر از البته چهاردرصدی‌ها!) که هر سیستم عصبی را مختل می‌کند و ریشه اصلی آن در دخالت‌های نابجای دولت در اقتصاد و ایجاد انواع انحصارات و سرکوب‌های قیمتی و پولی و ارزی و تجاری و... است و به قولی اگر روزانه «هفت هزار میلیارد تومان نقدینگی خلق نکند، اقتصاد دچار اختلال می‌شود» (دکتر نیلی- ۷/۲۸)، به اضطرابی وجودی می‌رسیم که شاید عمیق‌تر از درد تورم و گرانی است و آن خطراتی است که انسجام و منافع ملی و تمدن ایرانی را نشانه رفته است.

ادامه در صفحه ۸

خانواده محترم علیرضا بهمنی
مصیبت درگذشت مادر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.
غلامحسین جلالی‌فرد و خانواده